



۲۰۱۹/۰۳/۱۴



حمید ارجمند

افغانستان در شورای امنیت؛ صلح با غنی یا بی غنی؟

با اینکه حمدالله محب، مشاور امنیت ملی، موضوع تشکیل حکومت موقت را در چارچوب مذاکرات نمایندگان ایالات متحده و طالبان رد کرده است، ولی اشرف غنی و تیمش از این چشم انداز به شدت نگران اند. آلمانی‌ها به اشرف غنی پیشنهاد کرده‌اند که آماده میزبانی کنفرانس بن سوم هستند. این پیشگامی آلمانی‌ها نشانگر آن است که غربی‌ها آماده پذیرش حکومت موقت و یا غیرموقت، با غنی یا بی غنی، هستند به شرطی که منتهی به توافقات صلح با طالبان شود.

ارگ در پی آن است که این انتخاب را از روی میز قدرت‌های داخلی و خارجی بردارد. فورمول ارگ واضح است: مذاکرات طالبان با حکومت اشرف غنی. در این راستا، آقای حمدالله محب به شورای امنیت رفت و با یک سخنرانی وسوسه برانگیز تلاش کرد که فورمول ارگ را به اعضای این شورا بفروشد. رفتن به شورای امنیت، انتخاب درستی بود چون نمایندگان قدرت‌های غربی و آسیایی در آنجا حضور دارند. به خصوص حمایت و یا دستکم همدلی امریکایی‌ها، روس‌ها و چینی‌ها با روایت ارگ از روش صلح و آینده روش صلح، تاثیرات مثبتی برای آقای غنی و تیمش به همراه خواهد داشت.

آقای محب در سخنرانی اش روایت منسجم و هدفمند مبتنی بر اهداف سیاسی ارگ به دست داد. او میان «پیشرفت‌های گذشته» که غرب در آن نقش دارد، «دست‌آورد»‌های حکومت فعلی که از نظر وی محصول مدیریت اشرف غنی است، برگزاری انتخابات و حصول اطمینان از ثبات آینده افغانستان پیوند برقرار کرد. در این روایت، صلح با طالبان به معنای عدم حمایت این گروه از تروریسم نیست، در واقع، حمایت از حکومت افغانستان می‌تواند این ضمانت را به غرب و منطقه بدهد که نه طالبان و نه هیچ گروه دیگر از خاک افغانستان برای فعالیت‌های تروریستی استفاده نکنند. وی با اطمینان خاطر گفت که نیروهای امنیتی افغانستان با توجه به اصلاحات گسترده در رهبری قوای مسلح کشور پیشرفت‌های جدی در میدان نبرد داشته‌اند. به عبارت دیگر، قوای مسلح افغانستان از پس طالبان بر می‌آیند.

در سخنرانی آقای محب به طور واضح تلاش‌های آقای خلیل‌زاد و هیات طالبان در قطر نادیده گرفته شد. وی در این سخنرانی هیچ قدردانی‌ای از هیات امریکایی نکرد بلکه در عوض، جدی شدن گفت و گوهای صلح را به ابتکارات ارگ از جمله اعلام آتش بس در روز عید ارتباط داد.

نادیده گرفتن تلاش‌های آقای خلیل‌زاد از سوی فرد نزدیک به رییس جمهور، حاوی این پیام است که این تلاش‌ها زمانی برای ارگ اهمیت دارد که طالبان گفت و گوهای خود را با تیم اشرف غنی آغاز کنند، ارگ برخلاف

و عده قبلی، هیأت ملی صلح را به وجود نیاورده است و هنوز هم اشرف غنی قرار است که با هیأت مأموران میان رتبه دولتی به سراغ طالبان برود.

این موضعگیری قابل درک است. گروه طالبان با سوء استفاده از اشتیاق افغانها و متحدان غربی شان برای صلح میکوشد که کل گفت و گوهای صلح را بر محور آجندای خود متمرکز ساخته و از هر گامی که بر میدارد، بیشترین بهره تبلیغاتی را ببرد و خود را به عنوان یک دولت در تبعید و نماینده واقعی مردم جا بزند. به احتمال زیاد ارگ با مخالفت‌های آشکار و نهان خود به رفتارهای سیاسی- تبلیغاتی، پاسخ لازم را خواهد داد. از جمله، آقای محب از شورای امنیت خواست که تحریم‌ها بر طالبان و لیست سیاه رهبران این گروه را بر ندارد. آیا طرح این مطالبات به معنای اعمال فشار بر طالبان است؟ آیا ارگ به طالبان می‌خواهد نشان دهد که طرف اصلی آنها چه کسانی هستند؟

این نکته را نباید از یاد برد که واقعیتی در تمام طرف‌ها برای موفقیت مذاکرات از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. طالبان باید بپذیرند که آنها یک گروه شورشی تروریستی اند که پذیرش شان به عنوان یک طرف مذاکره، ناشی از واقعیت تلخ جنگ مدهش و خانمان براندازی است که باید به هر قیمت ممکن خاتمه یابد. نیاز افغانستان به صلح باعث شده است که افغانها حتا طرفدار مذاکره با شیطان نیز باشند.

آیا طالبان این واقعیت را درک خواهند کرد؟ آیا آنها دولت افغانستان را به عنوان یک واقعیت برگشت ناپذیر خواهند پذیرفت؟ آیا پاکستانی‌ها روی ارگ به عنوان یک همسایه غیر مضر اعتماد خواهند کرد تا از تلاش‌های صلح، حمایت نهایی شان را داشته باشند؟

رویکرد کنونی طالبان اگر معطوف به خروج نیروهای غربی باشد، در اصول مشکلی در آن وجود ندارد؛ ولی اگر هدف غایی شان ادامه جنگ پس از خروج نیروهای امریکایی باشد، مذاکرات از همین حالا به بن بست می‌خورد، مگر اینکه آنها روی عجله حکومت ترمپ برای خروج قمار زده باشند.

در این موقعیت، حکومت و سایر جریان‌های سیاسی افغان، اگر ضمانت‌ها و میکانیسم‌های اجرایی حافظ قول و قرارها در توافقات نهایی را نبینند به هیچ وجه به صلاح نیست که از توافقات طالبان و خلیل‌زاد حمایت کنند. هدف صلح امتیاز دادن به طالبان و آغاز یک جنگ داخلی دیگر نیست، چون هیچ فرقی با وضعیت کنونی ندارد. در عین حال باید متوجه بود که آقای غنی چه بازی‌ای را پیش می‌برد. شفافیت وی در این روش خیلی مهم است. سخنرانی حمدالله محب در شورای امنیت به صراحت نشان میداد که مذاکرات با حکومت یعنی مذاکرات با اشرف غنی. گویا هیچ تمایزی میان نهاد حکومت و شخص اشرف غنی وجود ندارد. از سویی هم، وی طوری صحبت میکرد که آقای غنی انتخابات دوم را نیز می‌برد و حکومت بر اساس استراتژی و برنامه که ارگ در پروسه کابل مطرح کرد، با طالبان مذاکره کرده و روش صلح را به پیش خواهد برد.

این رفتار حکومت، این شبهه را نیز میتواند ایجاد کند که آقای غنی با تمام توان برای دور دوم انتخابات آماده است. اگر قبل از برگزاری انتخابات روی آتش بس شش ماهه توافق صورت گیرد، برگزاری انتخابات از مایش مهمی برای آقای غنی خواهد بود.

اما سوال اینجا است که آیا اشرف غنی با این همه بلند پروازی که گاه افغانستان را میخواهد به کشور صادر کننده برق بدل کند و گاه قطب تجارت و صادرات، به هر «قیمتی» قدرت را حفظ نخواهد کرد؟ اشرف غنی و

تیمش باید در این ارتباط شفافیت بیش تری از خود نشان بدهند. چون قرار نیست که بار دیگر سناریوی انتخابات ۲۰۱۴ میلادی تکرار شود و یک امر خیل دیگر سرنوشت انتخابات را به لجن بکشد.

اگر آقای غنی میان توافقات صلح و قدرتش ارتباط برقرار کند و قدرتش را اولویت دهد، وضعیت نامعلومی پیش خواهد آمد که همه وی را مانعی در برابر توافقات صلح به حساب خواهند آورد. اگر بازی ارگ به اینجا بکشد، انزوایش غیر منتظره نخواهد بود. در این حالت باید با امریکایی ها، طالب ها و جریان های داخلی به رهبری حامد کرزی درگیر شده و به تنهایی بار مسوولیت و عواقب شکست مذاکرات را به دوش بکشد.

با تمام انتقادات و شبهه های بالا، باید اعتراف کرد که مذاکرات طالبان با حکومت و ادغام این گروه در دولت یک نتیجه ایده آل است؛ اما گاهی میان واقعیت ها و آرزوها، فاصله فاحشی وجود دارد.

اشرف غنی و تیمش با تمام ادعاها و گزافه گویی ها واقعیت امنیتی افغانستان را نتوانستند تغییر بدهند و حالا باید با واقعیت های تلخ تحمیل شده دست و پنجه نرم کنند و معلوم نیست که حاصل آن چی خواهد بود.

